



۱۱

فرهاد اصلانی بازیگر «ستاره بازی» شد

سپتامبر سیاه در جغرافیای سه‌گانه رنج

«تغییر چهره» دوباره در هالیوود

فرهنگ

سه‌شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۸۰



۱۲

۹ جاذبه

پشت صحنه

صفحه کم داریم!

بگویمم برایتان از دیروز، بچه‌ها اینقدر سوزه داشتند و حرف برای گفتن و نوشتن که حد نداشت. صابر محمدی و آذر مهاجر- همان پیپر ریپورتر خودمان و خودتان - می‌گفتند ما دو صفحه می‌خواهیم! حالا هی بگوای بابا... مگر چند صفحه داریم که دو تایش را تقدیم شما کنیم.

از آن طرف علی رستگار در حال مذاکره برای جابه‌جایی آگهی و فرستادنش به صفحه سینمای جهان که کلی مطلب دارم و آگهی به کار نمی‌آید، البته همان‌طور که خواهید دید موفق شد و آگهی را با يك شوت محکم فرستاد به صفحه بعدی که همان سینمای جهان باشد.

ساناز قنبری هم فکر حواشی صفحه ۱۱ و نگارنده هم که دو روزی است به علت پرکاری دبیر گروه در صفحه ۹، بیشتر در حد همین نگارنده مانده، فکر نوشتن دو تا ستون باحال برای صفحه، که البته از همین دو ستون هم یکی از گلرهای خفن به نام صابر محمدی از راه رسید و برایش يك مطلب خوب آورد. حالا ببینید چه خبر بوده دیروز!

خب از همین صفحه شروع کنیم امروز رفته ایم سراغ برخی حاشیه‌های آقای وزیر

ارشاد یعنی جناب عباس خان صالحی را بر آن داشته تا به برخی تذکراتی بدهد. بله می دانیم آنقدر نمایندگان مجلس ایشان را احضار کرده و مورد تذکر قرار داده اند که احتمالا فکر می کردید باز هم ماجرای از همین قرار است و صالحی رفته بابت کارهای دیگران تذکر بگوید، اما این خبرها نیست... بخوانید و ببینید چه خبر است. ضمن اینکه سراغ انتشار تازه ترین کتاب یک نویسنده مبارز هم رفته ایم.

و اما برویم سراغ آنها که دو صفحه می‌خواستند و بالاخره به يك صفحه راضی شدند. در صفحه ۱۰ به سه اتفاق مهم ماه سپتامبر پرداخته شده است. کشتار صبرا و شتیلا در لبنان، پیمان کمپ دیوید در مصر و کشتار فلسطینی‌ها در اردن که به سپتامبر سیاه هم معروف است. این سه واقعه مهم در کنار هم بررسی شده‌اند و می‌توانید نگاهی به هر سه رویداد در این مطلب داشته باشید.

در صفحه بعدی هم خبرهایی است که بخوانید احتمالا خوشحال خواهید شد. اعلام شد که فرهاد توحیدی در حال نگارش فیلمنامه «مست عشق» براساس زندگی مولانا و شمس است و حسن فتحی هم آن را در شهر قونیه خواهد ساخت.

علی رستگار مان رفت سراغ توحیدی و اطلاعات مفصلی از او گرفت درباره این‌که کار در چه مرحله است و در آن چه چیزهایی خواهیم دید. بروید صفحه ۹ و زود بخوانیدش.

و اما صفحه ۱۲ که همان اول کاری گفتیم آگهی نخواستن

با آن چه کرده‌ام آگهی بخشی از خبرهایی که زباری برایتان انتخاب کرده بود را بلعید، اما این اتفاق هم چیزی از جذابیت صفحه‌ای که کیاکاوس خان زباری تدارک می‌بیند، کم نخواهد کرد. بفرمایید خودتان بخوانید تا ببینید نگارنده چقدر درست می‌گوید.



یادداشت:
بهروز فائقیان

منتقد هنر

درباره نمایش «شکم» که در تالار قشقایی روی صحنه رفت

از آن خودسازی هستی و جهان

نمایش «شکم» از حیث اصالت هنری، اثری قابل اعتناست؛ به این معنی که تا اندازه بسیاری مولفه‌هایی منحصر به خود را می‌پروراند. متن نمایش گرچه قرابت‌هایی با تئاتر آبرورد از خود بروز می‌دهد، اما به واسطه جزئی‌نگری در مضمون به همین اندازه از مؤلفه‌های این نحله فکری فاصله می‌گیرد. درست است که در اینجا هم تعلیق درام با مفهوم در انتظار کسی یا چیزی بودن گره می‌خورد، اما نجات‌دهنده در اینجا خود یکی از گرفتارشندگان در نظمی است که امید چندانی به رهایی از آن نمی‌توان متصور بود. به جز این، شخصیت‌های نمایش شکم، خلاف انفعالی که به طور معمول در فضای تئاتر آبرورد موج می‌زند، فعال و پویا نشان می‌دهند؛ نپذیرفتن استدلال‌های پدر و تقابل فرزندان و مادر با این شرایط، تصویری از پویایی آتیه‌است که برخلاف پدر در جست‌وجوی گریزگاهی از این وضع هستند. پدر خانواده به دنبال سهمیه‌بندی سیستماتیک مواد غذایی توسط نظم حاکم، راه چاره برای بقا را در محاسبات سختگیرانه‌ای می‌داند که در حقیقت سهم‌بندی مضعافی را بر خانواده خود تحمیل می‌کند. به‌عزم او این تنها راهی است که می‌توان از این شرایط دشوار گذر کرد و تحت نظم سرکوبگر حاکم که از بیرون بر اوضاع تسلط دارد، پدر نیز خواهان اطاعت بی‌چون و چرای خانواده از این نظم است. نمایش همان اندازه که ناکجا آبادی به نظر می‌آید، با ارجاع‌هایی مشخص به مختصات زیست ایرانی هم گره می‌خورد که نوع روابط در میان افراد خانواده مشخص‌ترین جلوه‌های آن است. مؤلفه‌های دیگری که نمایش شکم به نوعی از آن خودسازی می‌کند در ساختار نمایش جلوه گر می‌شوند. ایده درخشان استفاده از نور پروژکتور برای ترسیم فضای صحنه، راهبرد مناسبی در القای محدودیت‌های این خانواده نوعی است. به جز این، در نبود هرگونه اسباب صحنه یا تنوع بصری در فضا همین بازی‌های نور است که در همراهی با ضربه‌نگ درام پویایی بیشتری به سیر وقایع می‌بخشد. ارجاع‌های متعدد درام به موقعیت‌های اجتماعی و تاریخی معاصر جهان گرچه بیشتر در خدمت فضاسازی و روایت است، اما نظرها‌های انتقادی خود در ارتباط با هستی و جهان را هم به همین طریق شکل می‌دهد. لباس‌های متحدالشکل شخصیت‌های نمایش می‌تواند ارجاعی به نظم اشتراکی جوامع سوسیالیستی باشد که البته در همراهی با دیگر تظاهرات نظام‌های اشتراکی همچون کنترل مصارف شهروندان، این تصور قوت بیشتری می‌گیرد. نمایش شکم اما فارغ از همه ارجاعاتی که به جهان بیرون از خودش می‌دهد، تا اندازه زیادی تلاش دارد شخصیت مستقل خود را شکل دهد و بیش از آن‌که مخاطب را به نشانی‌هایی خارج از متن سوق دهد، بر شکل‌دادن جهان اختصاصی اثر تمرکز داشته باشد.

وزیر ارشاد خواستار توجه بیشتر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات به استان‌ها شد

تهرانی نباشید!

تهرانی نباشید، بله! آیت‌ر در دست خواندید! این را جناب سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفته است. دیروز جلسه هیات امنای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شده. در این جلسه از محمد سلگی رئیس پژوهشگاه حاضر بوده تا دیگر اعضای هیات امنای وزیر ارشاد گرفته تا دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی. وزیر ۵۶ ساله فرهنگی کابینه این مطلب را برای سوق دادن بیشتر کارها و پژوهش‌های پژوهشگاه گفته که پژوهشگاهی‌ها خیلی توی مسائل مرکزنشینی غرق نشوند و دیگر مسائل مبتلا به فرهنگی را از یاد نبرند.

آنطور که روابط عمومی پژوهشگاه به ما خبر داده، وزیر روحانی اما غیرملیس هیات دولت با پذیرفتن اینکه پروژه‌ها عموماً تهرانی هستند گفته: انتظاری که از پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات می‌رود این است که به استان‌ها توجه بیشتری داشته باشد. خیلی وقت‌ها پروژه‌ها و طرح‌ها می‌تهرانی است و در تحلیل‌های عمیق کمتر وارد مناطق استانی شده ایم و پژوهشگاه باید به این نکته توجه داشته باشد.

آقای وزیر که عضو حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی هم محسوب می‌شود در ادامه ما خواسته که دل هیات امنای را هم خیلی نشکسته باشد: هیات امنای پژوهشگاه باید به رویکرد‌های این پژوهشگاه توجه داشته و آن را دنبال کند و پژوهشگاه در حوزه منابع و مسؤولیت هایش جدی تر عمل کند تا با همکاری یکدیگر بتوانیم کارکرد‌های خوب پژوهشگاه را تکمیل تر کنیم.

آقای وزیر که دکترا فلسفه‌اش را از یکی از موسسات و پژوهشگاه‌های وابسته به حوزه علمیه هم دریافت کرده و به نوعی می‌شود او را آخوند غیرملیس هم دانست در ادامه وظایف جدی پژوهشگاه را یادآور شده و اضافه کرده: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه پژوهشی دارای نیازهایی است و از آنجا که معاونت پژوهشی ندارد، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات می‌تواند این نقش را برای آن ایفا کند. این وزارتخانه در کارهای پژوهشی خود باید پشتوانه علمی و پژوهشی داشته باشد و این انتظاری است که از پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات می‌رود. سلگی رئیس پژوهشگاه که درست در کنار وزیر نشسته بوده هم فوراً اشاره و توصیه وزیر را روی هوا گرفته و اشاراتی هم به رویکرد‌های جدید پژوهشگاه تحت مسؤولیتش داشته و گفته: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در دوره‌های قبل بر فعالیت‌ها و نیازهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تمرکز نداشت و علائق ستادی داشت و ارتباط کمتری با استان‌ها داشت.

آقای رئیس که انگار انتقاد قبلی وزیر را به نوعی قبول هم داشته در ادامه این را هم گفته که در یکی دو سال گذشته سعی شده که رویکرد‌های پژوهشگاه تغییر داده شود؛ در ۲ سال گذشته تلاش کردیم به مأموریت‌های مندرج در اساسنامه پژوهشگاه توجه بیشتری داشته باشیم. در حال انجام و تکمیل طرح‌ها و پژوهش‌های قدیمی نیز هستیم و قریب به ۱۰ طرح ملی دیگر مانند هویت ایرانیان، سبک زندگی ایرانیان و... نیز در حال انجام است. برحسب چیزی که جناب سلگی در این جلسه گفته، پژوهشگاه در حال تغییر ترکیب و هندسه مسائل و رویکرد‌های پژوهشی خودش است و در ارتباط با استان‌ها هم فعالیت‌هایی را آغاز کرده است. با این حال در متن خبر اما خبری از این فعالیت‌ها نیست. حالا با آقای رئیس خیلی ریز و مجلسی از کنار موضوع سر خورده یا اینکه مطلب برای روابط عمومی پژوهشگاه آنقدر مهم نبوده که بخواهد نیم‌اشاره‌ای هم به این «فعالیت‌ها» داشته باشد. الغرض که ما امیدواریم توصیه وزیر روی زمین نماند.

کتاب تازه ایزابل آکنده با نام «در دل زمستان» در ایران منتشر شد

نوه عمو سالوادور مقابل ترامپ

ایزابل آکنده را می‌شناسید؟ نویسنده اهل شیلی و نوه عمو «سالوادور آکنده» رئیس جمهور سابق این کشور که تاکنون ۲۴ کتاب به نگارش درآورده است و آثارش حدود ۷۰ میلیون جلد فروش داشته‌اند. رمان‌های این نویسنده شیلیایی تاکنون به ۳۵ زبان دنیا برگردانده شده است. او ۷۰ جاییزه ۱۵ کشور دنیا کسب کرده و دو فیلم بین‌المللی براساس رمان هایش روی پرده رفته است.

بسیاری از رمان‌های خاتم ایزابل در ایران ترجمه و منتشر شده‌اند. آنطور که خبرگزاری مهر نوشته است، تازه‌ترین اثر این نویسنده هم روز گذشته وارد بازار کتاب ایران شد. اثری که از جهات بسیاری لااقل درساختار با دیگر آثار این نویسنده فرق دارد.

این رمان تازه که با ترجمه گلشن محبوب و از سوی نشر مروارید، روانه بازار کتاب شده «در دل زمستان» نام دارد. این کتاب درباره مهاجری غیرقانونی که از کواتالا به آمریکا می‌رسد و روزنامه‌نگاری شجاع، مثبت‌اندیش و اهل شیلی که تصویری از خود «آکنده» را منعکس می‌کند، نوشته شده است.

البته خاتم آکنده حسابی اهل مبارزه است، این را دیگر آگارش هم نشان داده‌اند، او برای حقوق زنان، نابرابری‌های جهانی و بخصوص حقوق مهاجران هم مبارزه و اظهار نظر شیلی را در سال ۲۰۱۰ برایش به ارمان آورد است و در جهان می‌پردازد. از این رو در جهان هم او را به عنوان زنی مبارز می‌شناسند.

او در وب‌سایت خود نوشته است: وقتی جوان بودم، همیشه احساس ناامیدی می‌کردم. دنیا پر از درد و رنج بود و من کار کمی برای تسکین آن از دستم برمی‌آمد! اما وقتی به عقب برمی‌گردم و زندگی‌ام را می‌بینم، حس رضایت دارم، چون روزهای کمی بوده که حداقل تلاش‌م را برای ایجاد یک تغییر به کار نگرفته باشم.

برخی از منتقدان او را به کپی‌برداری از قلم گابریل گارسیا مارکز، رمان‌نویس برجسته کلمبیایی و برنده نوبل ادبیات متهم می‌کنند چون در دنیا نام «مارکز» به عنوان بنیان‌گذار سبک رئالیسم جادویی شناخته می‌شود. با این حال قصه‌های حماسی او درباره زنان قوی، جایزه ملی ادبیات شیلی را در سال ۲۰۱۰ برایش به ارمان آورد است و در جهان هم مخاطبان بسیاری دارد. اما او در رمان تازه‌اش چه کرده است؟

برویم سراغ تفاوت‌های این زمان تازه با دیگر آثار آکنده. در این رمان برخلاف سایر آثار آکنده از رئالیسم جادویی خبری نیست و گستره داستان محدودتر طرح آن ساده‌تر است. نویسنده در این رمان روابط بین انسان‌ها، گذشته‌آنها و درد و اندوهشان را هنرمندانه و انسانی به تصویر می‌کشد و با تعلیقی زیبا داستان و مخاطبش را به پیش می‌برد.

این رمان همچنین در کنار روایت داستانی ساده و جذاب خود مخاطبان‌ش را با زبانی ساده به سوی معرفی اوضاع و احوال سیاسی کشورهای آمریکای لاتین پیش می‌برد. از ریاست جمهوری آکنده و وقایع قبل از کودتای پینوشه در شیلی تا سقوط گولارت و جریان‌ات انتخاب اولین انتخابات آزاد ریاست جمهوری و وقایع پس از آن در برزیل، جنگ داخلی در کواتالا و... آکنده در کتاب خود به سیاست‌های ضد مهاجرتی تراکیپ و وعده‌اش برای ساخت دیوار در مکزیک در جریان کمپین‌های ریاست جمهوری‌اش نیز اشاره‌هایی دارد که همه اینها در کنار هم یادآور شاهکار ادبی او «خانه ارواح» است.

در بخشی از این رمان می‌خوانیم: هر بار که عاشق می‌شد، که کم هم نبود، روی ازدواج کردن و ماندگار شدن در کانادا را در سرش می‌پرورد. اما همین که آتش عشقش سرد می‌شد باز دلتنگ شیلی می‌شد. وطنش آنجا نبود، در جنوب جنوب. آن کشور دراز و باریک که هنوز او را به خود می‌خواند. روزی بر می‌گشت. مطمئن بود. خیلی از شیلیایی‌های تبعیدی برگشته بودند و بدون چارو جنگال زندگی می‌کردند و کسی هم کاری به کارشان نداشت.

«در دل زمستان» این رمان در ۳۰۵ صفحه با قیمت ۴۹ هزار تومان منتشر شده است.

گروه فرهنگ و هنر

گروه فرهنگ و هنر



۱۱

